

تاکید نویسنده بر نقش اساسی بچه‌ها، دلایل مختلفی دارد.

اول این که داستان برای نوجوانان است و ناچار شخصیت‌های اصلی و عمل‌کننده بایستی از میان نوجوانان انتخاب شوند تا هم داستان تاثیرگذار باشد و هم برای خواننده جذاب و خواندنی

درست است که مشکلاتی پی در پی برای شخصیت‌ها پیش می‌آید، اما یا از قضای روزگار یا از سر تصادف، راه حل به سرعت پیدا و وسایل موردنیاز برای حل مشکل مهیا می‌شود.

به عنوان مثال، وقتی که قرار است تونی، خلبان را پایین بیاورد و امکان سقوط آن دو از ارتفاع وجود دارد، بلافاصله تونی و ترویدی، به یاد بندباز سیرک و تور محافظ او می‌افتند و این، تداعی، آنها را به فکر استفاده از تورهای یونجه که در خانه دارند، می‌اندازد و به این ترتیب، مشکل پیش آمده به سرعت حل می‌شود.

البته، با توضیح نویسنده می‌توان وجود چنین تورهایی را در آن مزرعه پذیرفت، اما این پذیرش، به نوعی از سراجبار به نظر می‌رسد زیرا خواننده که بسیار احتمال دارد با وضعیت مزرعه آشنا نباشد، بایستی ضرورت وجود چنین چیزی را در مزرعه، از قبل و به طرز نامحسوس دریافته باشد، نه این که به هنگام وقوع حادثه و با توضیح مستقیم نویسنده، مجاب شود. در حقیقت، برای باور پذیری و طبیعی نمودن داستان، لازم است که لزوم وجود هر عنصری که قرار است نقشی اساسی در داستان ایفا کند، از قبل ثابت شده باشد؛ آن هم به صورتی غیر مستقیم.

مثال دیگر، در انتهای داستان است، وقتی که تونی، راهی به بیرون باز می‌کند، به علت روش نامناسبی که در پیش گرفته، برف‌ها فرو می‌ریزد؛ اما برحسب تصادف، این ریزش نه تنها صدمه‌ای به او نمی‌زند، بلکه باعث نجات آنها و راهیابی‌شان به بیرون از خانه و بهمن می‌شود.

داستان، علی‌رغم حوادث زیاد و پی در پی، پیچیدگی لازم را ندارد و به آسانی می‌توان پایان خوش آن را از همان ابتدای کتاب، حدس زد. در حقیقت، داستان طرحی ساده و قابل پیش‌بینی دارد که خلق ماجراهای فراوان هم نتوانسته سادگی آن را پنهان کند.

نثر کتاب، نارساست و اشکال آن بیشتر به سبب ترجمه نادرست است. مترجم، بیش از آن که به فارسی بودن نثر توجه داشته باشد، متوجه ترجمه کلمه به کلمه بوده است و به همین جهت، سنگینی صحبت کردن به لهجه خارجی و نثر غیر فارسی بر داستان احساس می‌شود.

نکته آخر، این است که فضای داستان، با توجه به شباهت آن با کتاب «حادثه در کوهستان» تکراری است و در نتیجه، از جذابیت لازم برخوردار نیست. بهتر است مترجمان، در هنگام انتخاب کتاب برای ترجمه، به این مسئله توجه بیشتری نشان دهند.



## پلی میان دنایای کودک و بزرگسال

عنوان کتاب: برگ به برگ (داستان‌هایی برای روان‌کودکان)

نویسنده: لینده فون کیزرلینک

مترجم: شکوفه رضایی

ناشر: صنم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۰۶ صفحه

بها: ۷۵۰ تومان

چینستا یثربی

گونه‌ای غیرمستقیم، الگویی تربیتی برای او فراهم می‌آورند. به همین دلیل، امروزه در علم روان‌شناسی و به ویژه، مبحث روان‌شناسی تربیتی، استفاده از قصه به عنوان وسیله آموزش و درمان، بسیار رایج است. «قصه‌درمانی» شیوه نظام‌بندی شده سنت قصه‌گویی در خانواده‌های سنتی است؛ با این تفاوت که مربی یا روان‌شناس، براساس نیازهای خاص هر کودک (یا گروهی از کودکان با مشکل یکسان)، قصه‌ای طراحی می‌کند و در تمام مراحل شکل‌گیری قصه، از کنجکاوی و خلاقیت خود کودکان بهره می‌جوید. بسیاری از این قصه‌ها، بر محور یک طرح مرکزی شکل گرفته‌اند و معمولاً پایان مشخصی ندارند. پایان بندی آزاد آنها، به مربی کمک می‌کند که هر بار بنا به نیازهای مخاطبان خود، قصه را به نحوی مطلوب و متناسب به پایان برساند.

در کتاب «برگ به برگ» نویسنده که خود درمان‌گر خانواده و روان‌شناس نیز هست، با شناخت کافی از مشکلات کودکان و با نگاه یک درمان‌گر، نیازها و مشکلات کودکان مخاطب را به چند گروه طبقه‌بندی می‌کند و برای هر گروه، قصه‌هایی ساده، با مضمون مناسب همان مشکل خاص، می‌آفریند.

طبقه بندی لینده فون کیزرلینک از نظر روان‌شناختی، در تقسیم‌بندی زیر جا می‌گیرد:

ما در افسانه‌های مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌های خود زندگی می‌کنیم. در اعماق شخصیت هر بزرگسال، باورها، اعتقادات و حتی عادت‌هایی وجود دارد که در افسانه‌ها و قصه‌های زمان کودکی او ریشه دارد.

این قصه‌ها نه فقط از نظر مضمون، بلکه به لحاظ ساختار، به نوعی در بافت فکری ما جای دارند و از شخصیت ما تفکیک ناپذیرند. شاید هرگز آگاهانه، به وجود آنها پی نبریم و یا هیچ یک را به یاد نیاوریم، اما زمانی که برخی از این افسانه‌ها را دوباره می‌شنویم، در ناخودآگاه مان، جریانی به حرکت درمی‌آید. جریانی که ناگهان باعث می‌شود، علت بسیاری از پیشداوری‌ها، تعصبات، باورها و حتی خرافات مان را احساس کنیم. قصه هر قدر از ساختار پیچیده‌تر و خیال‌پردازانه‌تری برخوردار باشد، بیشتر در یادها می‌ماند. و تاثیر عمیق‌تری در روند شکل‌گیری شخصیت کودک دارد.

کودک، در حین خواندن یا شنیدن یک قصه خوب، به طور ناخودآگاه عمل جذب و درون‌سازی، الگوسازی، همذات‌پنداری، برون‌فکنی، انتقال عواطف و آرزوها را نیز انجام می‌دهد. از این نظر، همه قصه‌های خوب که بر عنصر خیال‌پردازی (فانتزی) تکیه دارند، به نوعی از ماهیت روان‌شناختی برخوردار هستند. این قصه‌ها به طریقی، نیازهای ذهنی کودک و پرسش‌های او را پاسخ می‌دهند، تخیل او را بارور می‌کنند و یا به

کودک، در حین خواندن یا شنیدن یک قصه خوب،  
به طور ناخودآگاه عمل جذب و درون سازی، الگوسازی، همذات پنداری، برون فکنی،  
انتقال عواطف و آرزوها را نیز انجام می دهد. از این نظر، همه قصه های خوب  
که بر عنصر خیال پردازی (فانتزی) تکیه دارند، به نوعی از ماهیت روان شناختی برخوردار هستند

نویسنده که خود درمان گر خانواده و روان شناس نیز هست.  
با شناخت کافی از مشکلات کودکان و با نگاه یک درمان گر، نیازها و مشکلات کودکان مخاطب را  
به چند گروه طبقه بندی می کند و برای هر گروه، قصه هایی ساده، با مضمون مناسب  
همان مشکل خاص، می آفریند



مختلف است و به ویژه کانال های تلویزیونی و بازی های کامپیوتری، مجال دیگر برای او باقی نمی گذارند. وظیفه قصه گوئی سنتی پدربزرگان و مادربزرگان را کتاب های قصه به عهده دارند. بیشتر قصه های کتاب «برگ به برگ» که از ساختار افسانه پیروی می کنند، این ویژگی را دارند. در عین حال، در تمام قصه های این کتاب، بیش از هر چیز، حضور یک روان شناس کودکان، قبل از نویسنده احساس می شود. این ویژگی، به تنهایی بار منفی ندارد و حتی می تواند مثبت باشد. البته، به شرطی که فراموش نکنیم که هدف اصلی این گونه کتاب ها، نزدیکتر کردن بزرگسالان با دنیای کودکان، برگ ها، آرزوها، موانع عاطفی و دغدغه های آنهاست. پس لازم است که بزرگسالان کودکان شان را بعد از خواندن این قصه ها تنها نگذارند و خود حتماً با مطالعه قصه، بتوانند درباره آن با کودک شان، پرسش و پاسخ داشته باشند. و دست کم، برداشت کودک را از قصه جویا شوند.

خود مترجم یا ناشر در پشت جلد کتاب، به این نکته اذعان دارد: «این کتاب، در واقع کلیدی است برای درک روان معصوم کودکان، خواندن آن، علاوه بر بچه ها، به پدرها و مادرها، معلمان و مربیان مدارس خصوصاً همه کسانی که مایلند پایه دنیای کودکان بگذارند، توصیه می شود.» پس نگاه ما به این کتاب نمی تواند یک مجموعه قصه کودکان باشد و نباید جنبه های آموزشی، تربیتی و درمانی این کتاب را از یاد برد. هر چند این ویژگی ها، مانعی برای جذابیت بسیاری از قصه های کتاب نیست. برای مثال، قصه مار عینکی، «اگر همه پادشاه بودند» و به خصوص، قصه «برگ به برگ» جزء نمونه های موفق قصه نویسی برای کودکان محسوب می شوند. بر این همه باید ترجمه روان و رسای مترجم کتاب را نیز افزود. کتاب «برگ به برگ» در نهایت، هم چون وسیله دوستی و آشتی، می تواند کودکان ما را به بزرگسالانی که کمتر فرصت قصه گفتن برای کودکان دارند، نزدیک کند.

ترجمه و انتشار کتاب هایی از این دست، در وانفسای بازار تجاری کتب کودک، باعث امیدواری است. امیدواری به این که هنوز قبل از دغدغه بازار و سودآوری، می توان به فکر نزدیک شدن به دنیای لطیف کودکان بود. دنیایی با قوانین خاص خود، دنیایی که آن را نمی شناسیم و اگر هم زمانی می شناختیم، از یاد برده ایم و بالاخره، دنیایی که با شناخت آن، می توانیم به یاری کودکان مان بشتابیم تا درآینده، دنیای زیباتری برای خود و هموعان خود بنا کنند.

کودکان» خود اشاره ای به وضعیت خاص قصه های این کتاب دارد. قصه هایی که پرسش های بسیاری را در ذهن کودک خواننده خود پدید می آورند و معمولاً رسم است که این گونه کتاب ها، همراه با یک بزرگسال (والدین، درمانگر، مربی) و یا در گروه (گروه درمانی) خوانده شوند و پس از پایان قصه، درباره حرف و پیام قصه و نتیجه گیری آن صحبت شود و کودکان بتوانند برداشت های خود را از محتوای قصه ها بیان کنند. نباید فراموش کرد که این قصه ها، با مضمون سنتی قصه های فولکلور، کمی فاصله دارند و مسائلی را مطرح می کنند که ممکن است کودک ما تا به حال با آنها مواجه نشده باشد. مثلاً امکان دارد کودکی که تا به حال با مسئله کودکان مهاجر و یا کودکان استثنایی و معلول مواجه نشده باشد، با خواندن این قصه ها، سوال هایی در ذهنش پدید بیاید و یا حتی درک درستی از معنای قصه پیدا نکند، بنابراین، این گونه کتاب ها برای «باهم خواندن» و در کنار یکدیگر خواندن» است. به این معنا که معمولاً کودکان، تجارب حاصله از خواندن این قصه ها را با بزرگتری شریک می شوند. در واقع، در تمام برنامه های قصه درمانی، قصه گو باید پایه پای کودکان، در مراحل مختلف قصه، حضور داشته باشد تا بتواند مطمئن باشد که قصه، تاثیر مثبتی بر روند فکری کودک گذاشته، مانع اغتشاش ذهنی او می شود.

در کتاب «قصه های برگ به برگ»، قصه هایی که به ساختار معمول افسانه های کودکان (اوج، تعلیق و فرود) نزدیکی بیشتری دارند، ارتباط بی واسطه تری با کودک به وجود می آورند و به دلیل تحریک خیال پردازی کودک، او را بیشتر با خود درگیر می کنند.

لازم نیست بگوییم که اولین عامل تاثیر گذاری یک قصه، قدرت جذابیت و کشش آن است. قصه کودکان، به نسبتی که بیشتر بتواند مخاطبان را با خود درگیر کند، دیرتر از یاد آنها می رود. به خصوص در جهان امروز که کودک در معرض بمباران رسانه های

- ۱- کودکانی با مشکلات عاطفی (بچه هایی که درک نشده اند)
- ۲- کودکان استثنایی (بچه هایی با ویژگی های خاص)
- ۳- کودکان منزوی با مشکلات احساسی (قهر و آشتی)
- ۴- کودکان بی سرپرست (کودکانی که خانه و آشیانه ای ندارند)
- ۵- کودکان مهاجر و غریب (غریبه بودن)
- ۶- کودکان و بحران هویت (من کی هستم؟)
- ۷- کودکان و مسئله اختلاف میان نسل ها (بزرگترها هم زمانی بچه بوده اند)
- ۸- کودکان و آموزش شجاعت (شهامت را باید آموخت)
- ۹- کودکان و مسئله تفاهم (در کنار یکدیگر زندگی کردن)
- ۱۰- کودکان و مسئله ارزش ها (خوب یا بد)
- ۱۱- کودکان و مسئله حسادت میان خواهران و برادران (خواهر و برادر داشتن کار آسانی نیست)
- ۱۲- سوگ کودکان و طرح مسئله مرگ (وداع و مرگ)

این طبقه بندی، اگر چه تمام مشکلات شخصیتی و عاطفی کودکان را شامل نمی شود، برای کتابی کوچک چون «برگ به برگ» کافی به نظر می رسد؛ چرا که به طیف وسیعی از مشکلات کودکان در هر جامعه ای پاسخ می دهد. ویژگی مثبت این طبقه بندی، جهان شمولی آن است؛ چرا که تمام این موارد، در جوامع غرب و شرق، به یکسان مشاهده می شود و بنابراین، مضمون قصه ها برای کودکان ایرانی نیز غریب نیست. اصولاً تمام کودکان جهان، در مسیر رشد خود، مراحل مشابهی را طی می کنند. «کبزرلینک» با تاکید بر نکات حساس رشد عاطفی و شخصیتی کودکان، قصه هایی برای آنها تعریف می کند. برخی از این قصه ها، از ویژگی خیال پردازی بیشتری برخوردار هستند و به ساختار افسانه نزدیک می شوند (هم چون قصه های در کنار یکدیگر زندگی کردن، مار عینکی، آیا فلائینگوها فقط یک پا دارند؟ و بره و خوک) و برخی دیگر، ساختاری واقع گرایانه تر دارند و هم چون حکایت قلمداد می شوند (قصه حرفی نزد - موی جوهری - قهر و آشتی و...)

با نگاهی کلی به کتاب، آن چه بیش از هر چیز جلب نظر می کند، تعلق کتاب به حیطه کتب قصه درمانی است. اگر چه روی جلد کتاب، صحبتی از قصه درمانی نشده است، جمله «داستان هایی برای روان